



# معلم؛ عنصر اصلی برنامه‌درسی

میزگرد «نقش آموزش معلمان  
در برنامه جدید زبان انگلیسی»

## اشاره

با معرفی برنامه‌درسی جدید زبان انگلیسی پایه هفتم و نیاز به هم‌اندیشی در مورد ابعاد مختلف آن، در اردیبهشت ماه سال جاری نشست با حضور کارشناسان، مؤلفان کتاب‌های درسی جدید و مدرسان دانشگاه فرهنگیان (مراکز تربیت معلم) در محل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد. در این نشست، نقش معلمان در تثبیت برنامه‌درسی جدید مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه، مشروح بحث‌های مطرح شده در این جلسه از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

محمد رضاعنایی سراب

reza\_ananisarab@yahoo.co.uk



## حاضران در میزگرد:

دکتر محمدرضا عنانی سراب سردبیر مجله رشد آموزش زبان‌های خارجی، شهلا زارعی نیستانک مدیر داخلی مجله رشد آموزش زبان، دکتر سیدبهنام علوی مقدم مدیر گروه زبان‌های خارجی، دکتر رضا خیرآبادی کارشناس گروه زبان خارجی، سیدمسعود حاجی سیدحسینی فرد مدرس زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان، مژگان سلیمانی مدرس زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان و آقای جعفر دزی دبیر زبان انگلیسی منطقه پانزده تهران.

**دکتر عنانی سراب:** به نام خدا. با تشکر از حاضران محترم اولین میزگرد مربوط به برنامه درسی جدید زبان انگلیسی را آغاز می‌کنیم. موضوع مورد بحث، نقش آموزش معلمان در برنامه جدید است. برای شروع، می‌خواهم اشاره کنم که در ادبیات برنامه درسی بر این نکته تأکید شده که معلم عنصر اصلی برنامه است؛ به این معنی که برنامه درسی را او محقق

می‌کند. به عبارت دیگر، توفیق یا شکست برنامه درسی تا حدود زیادی به معلم ارتباط دارد. بنابراین، یکی از محورهای بحث این است که در برنامه جدیدی که تدوین شده و براساس آن بسته آموزشی تهیه شده است، نگاه به مقوله معلم و تربیت معلم چگونه است.

سپس می‌توانیم بحث را با این سؤال ادامه دهیم که چه برنامه‌هایی برای آموزش معلمان تدارک دیده شده است، کدام یک از برنامه‌ها اجرا شده‌اند و در آینده چه برنامه‌هایی اجرا خواهند شد.

**عنانی سراب: معلمی که در دوره شرکت کرده است شاید به این جمع بندی برسد که مثلاً این شیوه‌ای را که آموزش داده شد، من در کلاس اجرا نمی‌کنم؛ چون فکر می‌کنم عملی نیست. اگر چنین سؤالاتی مطرح باشد و به آن‌ها پاسخی داده نشود، به تدریج ذهنیت گذشته باز خواهد گشت و ما در نهایت، تغییر را آن گونه که برنامه ریزی شده است، شاهد نخواهیم بود**

در مسیر پاسخ‌گویی به سؤالات یادشده می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که در برنامه جدید نقش‌های جدیدی برای معلم تعریف شده است. لذا انتظار می‌رود معلمان نقش‌های جدید آموزشی خود را سازمان دهند که البته باید بپذیریم خروج از یک قالب و ورود به قالب دیگر کار چندان آسانی نیست. نکته دیگری که لازم است به آن اشاره کنیم، آموزش پیش از خدمت معلمان و آموزش‌های ضمن خدمت است که در حقیقت به نوعی با مراکز تربیت معلم و در حال حاضر با دانشگاه فرهنگیان مرتبط است. بنابراین، در بحث‌ها شاید لازم باشد به این نکات توجه کنیم.

### دکتر سیدبهنام علوی مقدم:

بسم الله الرحمن الرحيم. خوشحالم از اینکه فرصتی فراهم آمده است که همکاران ما از طریق این میزگرد با برنامه درسی جدید بیشتر آشنا شوند. من قبل از اینکه موارد مطرح شده در دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی را درباره اشاعه برنامه در خصوص نقش معلم طرح کنم، مقدماتی را عرض می‌کنم که ذهنیتی برای خوانندگان ایجاد شود. برنامه درسی عناصر مختلفی را دربرمی‌گیرد که عبارت‌اند از اهداف، اصول، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی و در نهایت تربیت معلم و اشاعه برنامه. پس تربیت معلم و اشاعه برنامه یکی از عناصر اصلی و شش‌گانه راهنمای برنامه درسی است. از آنجا که این عناصر شش‌گانه به هم پیوسته‌اند، اگر یکی از آن‌ها مورد توجه قرار نگیرد و در آن مشکل وجود داشته باشد، دیگر اجزاء و ارکان هم دچار مشکل خواهند شد. همان‌طور که آقای دکتر عنانی سراب، که نقش بسیار مهمی هم در تولید راهنمای برنامه درسی و تألیف کتاب‌ها داشته‌اند، فرمودند اگر محتوا بسیار خوب تدوین گردد و روش تدریس و ارزشیابی هم دقیقاً مشخص شود اما معلم در مورد محتوا، روش و ارزشیابی آموزش‌های لازم را نبیند قطعاً برنامه با مشکل مواجه خواهد شد. به خصوص در رویکرد جدید، که «رویکرد ارتباطی خودباورانه فعال» نام دارد، معلم نقش راهبردی را دارد و بنابراین باید نسبت به



**علوی مقدم: در دفتر، ما  
سایتی را نیز در اختیار داریم  
که در آن علاوه بر خبرهایی  
که در گروه مطرح است،  
مقالات، نمونه سؤالات،  
گزارش‌هایی که از جاهای  
مختلف استان هادر باره  
مراحل اجرایی کتاب به ما  
می‌رسد نیز مطرح می‌شوند  
و این خود به نوعی به صورت  
غیر مستقیم می‌تواند در  
اشاعه برنامه ما و تربیت  
معلم دخالت داشته باشد.  
البته متأسفانه شاید معلمان  
آن اندازه که انتظار می‌رود به  
سایت مراجعه نکنند**



دکتر علوی مقدم

برنامه می‌خواهند در اختیار مدرسان بگذارند. در مورد این پیش فرض این مسئله مطرح می‌شود که در نهایت مدرسی که در این دوره‌ها شرکت می‌کند، با توجه به تجربیات و دانش معلمی‌اش، تفسیر خاص خود را از محتوای دوره خواهد داشت. از طرف دیگر، با توجه به محیطی که معلم در آن آموزش می‌دهد، شاید بعضی از روش‌های پیشنهادی به تعبیر معلم کاربردی نداشته باشند یا قابل اجرا نباشند. معلمی که در دوره شرکت کرده است شاید به این جمع‌بندی برسد که مثلاً این شیوه‌ای را که آموزش داده شد، من در کلاس اجرا نمی‌کنم؛ چون فکر می‌کنم عملی نیست. اگر چنین سؤالاتی مطرح باشد و به آن‌ها پاسخی داده نشود، به تدریج ذهنیت گذشته باز خواهد گشت و ما در نهایت، تغییر را آن گونه که برنامه‌ریزی شده است، شاهد نخواهیم بود. پس چه راهکارهای عملی‌ای در این مورد می‌تواند کارساز باشد.

**آقای حسینی فرد:** به نام خدا. خیلی خوشحالم که این جلسه برگزار شد

در ۱۲-۱۳ استان حضور پیدا کردم. مؤلفان دیگر کتاب هم در حد مقدور در استان‌های مختلف در جلسات توجیهی با معلمان ارتباط رو در رو برقرار کردند و مسائلی را که برایشان مطرح بود مستقیماً با مؤلفان در میان گذاشتند. در دفتر، ما سایتی را نیز در اختیار داریم که در آن علاوه بر خبرهایی که در گروه مطرح است،

مقالات، نمونه سؤالات، گزارش‌هایی که از جاهای مختلف استان‌ها درباره مراحل اجرایی کتاب به ما می‌رسد نیز مطرح می‌شوند و این خود به نوعی به صورت غیر مستقیم می‌تواند در اشاعه برنامه ما و تربیت معلم دخالت داشته باشد. البته متأسفانه شاید معلمان آن اندازه که انتظار می‌رود به سایت مراجعه نکنند. چه خوب بود بعد از برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت، استمرار آموزش از طریق سایت گروه و سایت‌های مناطق مختلف آموزش و پرورش پیگیری می‌شد.

**دکتر عنانی سراب:** برای اینکه به بعضی از سؤالی‌هایی که حیثاً در ذهن خوانندگان وجود دارد پاسخ دهیم، می‌خواهم سؤالاتی را از دید آن‌ها مطرح کنم. همان گونه که آقای دکتر علوی مقدم گفتند، از گذشته روال این گونه بوده که دوره‌های توجیهی به شکل تأمین مدرس اجرا می‌شده است. در این دوره‌ها، فرض بر این است که یک برداشت درست و یک روش تدریس صحیح وجود دارد و این روش تدریس و برداشت درست را طراحان

برنامه اشراف کامل داشته باشد. البته باید بگویم که دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی متولی مستقیم برگزاری دوره‌های تربیت معلم نیست و به دلیل تولید محتوا به طور غیرمستقیم در این مقوله وارد می‌شود. در معاونت آموزش متوسطه وزارت خانه دفتر مخصوصی با عنوان «دفتر ارتقاء معلم» وجود دارد و آن‌ها در حقیقت برگزارکننده این دوره‌ها هستند. البته دانشگاه فرهنگیان و مراکز تربیت معلم هم نقش بسیار مهمی می‌توانند ایفا کنند اما پیشنهادی که ما ارائه می‌کنیم و محتوایی که ما برای برگزاری دوره‌های ضمن خدمت داریم، می‌تواند نقش ما را در این قضیه تبیین کند. در سال‌های گذشته این گونه بود که دوره‌های سسی تا چهل ساعته تأمین مدرس در تهران اجرا می‌شد که البته می‌دانیم چهل ساعت کافی نیست و به استمرار نیاز دارد. در سال گذشته برای کتاب جدید یک دوره چهل ساعته بعد از ماه مبارک رمضان داشتیم و در حدود دویست نفر از استان‌های مختلف در این دوره شرکت کردند.

در این دوره، بخش‌های مختلفی را به بررسی روش تدریس، بررسی نمونه سؤال‌ها، بررسی شیوه ارزشیابی و بررسی متون درسی اختصاص دادیم. همکاران ما تا حدودی توجه شدند و به استان‌های خود مراجعه کردند و دوستان مدرس فکر می‌کنم با ۳۲ یا ۴۰ ساعت، بسته به تصمیم استان، برنامه را در استان‌های خود به اجرا درآوردند. آن گونه که ما مطلع شده‌ایم، بخشی از برنامه‌های استانی در تایلستان و بخشی در ماه‌های آبان و آذر برگزار شده است. به این دلیل که معلم‌ها به کلاس‌ها وارد شوند، درگیر شوند و اگر حیثاً با مشکل یا مسئله‌ای برخورد کردند، بتوانند در ماه‌های آبان و آذر نکاتی را که مدنظر دارند و مشکلی را که با آن برخورد کرده‌اند، در این کلاس‌ها برطرف کنند. ناگفته نماند که ما به این چهل ساعت مدرسان میانی بسنده نکردیم. اعضای گروه تألیف در جلسات مختلفی در استان‌ها تشکیل شد حضور یافتند و جلسات توجیهی و تبیینی برگزار کردند. من به عنوان مدیر گروه حداقل

و ما می‌توانیم در موارد زیادی همفکری کنیم. در حقیقت، تربیت معلم اهمیت خاصی دارد. به‌ویژه دوره جدید با برنامه جدیدی که تدوین شده است و ان‌شاء‌الله می‌خواهد راه‌های جدید و بهتری را برای آموزش زبان کشور باز کند. آقای دکتر مسئله مهمی را مطرح کردند.

من با توجه به تجربه خودم در بحث تربیت معلم می‌توانم بگویم ما اینرسی زیادی را در جامعه معلمان نسبت به تغییر مشاهده می‌کنیم. این اینرسی و در واقع تمایل به حفظ وضع موجود، ما را هم در آموزش کوتاه‌مدت معلمان و هم در دوره‌های درازمدت پیش از خدمت با دشواری‌هایی مواجه می‌کند. در این ارتباط، علاوه بر جنبه‌های اجرایی، که دکتر علوی مقدم فرمودند، من فکر می‌کنم سؤال اصلی ما در برنامه جدید، به‌عنوان رویکرد جدید آموزش زبان، شاید این باشد که در برنامه جدید، معلم برای اجرای خوب برنامه باید از چه معیارهایی

برخوردار باشد. پس شاید سؤال اصلی این است که معلم ما چه معیارها و چه توانمندی‌هایی باید داشته باشد تا بتواند در اجرای این برنامه موفق شود و اگر این‌ها را نداشته باشد، ما نمی‌توانیم او را معلم موفق بدانیم. این سؤال واقعاً مهم است. من فکر می‌کنم برای پاسخ دادن به این سؤال، ابتدا باید سابقه مختصری را عرض کنم. ما در تجربه‌ای که در تربیت معلم داشتیم، در دوره‌های کاردانی دانش‌آموزان دیپلمه را از طریق کنکور پذیرش می‌کردیم و برایشان دوره‌های کاردانی می‌گذاشتیم. این دوره‌ها در عین اینکه کوتاه بودند ولی به‌نظر من دوره‌های موفق‌تری بودند. یکی از دلایل موفقیت دوره کاردانی این بود که درسی با عنوان «کارورزی» داشت.

بسیاری از دروس غیر تخصصی هم که ارائه می‌شدند، واقعاً جنبه‌های عملی و اجرایی داشتند؛ مثلاً ساخت وسایل کمک‌آموزشی، استفاده از رسانه‌های

آموزشی، روش‌های تدریس به‌صورت عملی. به‌خصوص درس کارورزی که دانشجوی موظف بود هر هفته به مدرسه‌ای برود و در آن مدرسه به‌طور عملی شرایط تدریس را تجربه کند. او در این مسیر به تدریج درگیر کلاس‌های واقعی می‌شد و طی فرایند تدریس، می‌فهمید که محیط واقعی آموزش چیست و چه توقعاتی در محیط آموزشی وجود دارد. در واقع، او صرفاً به داده‌های نظری که ممکن بود از واقعیت دورش کنند، بسنده نمی‌کرد و با شرایط واقعی روبه‌رو می‌شد. این یکی از دلایل موفقیت آن دوره‌ها بود. من خودم که دوره دبیری را گذراندم و لیسانس دبیری گرفتم و از این دوره کارورزی محروم بودم، بعدها وقتی وارد نظام آموزشی در مدارس شدم، احساس می‌کردم معلم‌هایی که این دوره کارورزی را گذرانده‌اند از ما موفق‌ترند. یعنی در بدو خدمت با این قضایا راحت‌تر مواجه می‌شدند. نوع دیگری از دوره‌های



آموزشی دانشگاهی، دوره کارشناسی ناپیوسته برای معلمان بود که معمولاً مدرک کاردانی زبان دارند و برای تکمیل دوره کارشناسی ناپیوسته می آیند. در این دوره‌ها ما معمولاً درس «تدریس عملی» را داریم؛ یعنی دانشجو معلمان درسی را عملاً در کلاس دانشگاه ارائه می دهند و از آن‌ها خواسته می شود که تدریسی را که انجام داده اند در مدرسه هم ارائه کنند و گزارشش را به صورت ویدیویی و گاهی مکتوب برای ما بیاورند و ما عملاً ببینیم که در مدرسه چه اتفاقی افتاده است. آیا ارائه مثبت بوده و چه باز خورد عملی ای داشته است. این هم در حقیقت روشی بود که ما می خواستیم این جنبه عملی را در دوره کارشناسی ناپیوسته داشته باشیم.

در دوره‌های جدیدی که با تأسیس دانشگاه فرهنگیان ایجاد شده قرار است در دوره کارشناسی دانشجو دو سال دروس نظری و ابتدایی اش را بگذراند و بعد از دو سال موظف شود که تعداد

ساعتی را به عنوان دانشجو معلم در مدرسه حضور داشته باشد. وی موظف است در فرایند تدریس دخالت کند. در دانشگاه فرهنگیان بحث تأسیس مدارس تجربی هم مطرح شده است. البته پیشنهاد این گونه است که مدارس تجربی در کنار مراکز تربیت معلم باشند که این نمونه‌های آموزشی بتوانند آنجا پخته شوند و عملاً روش‌های آموزشی آنجا به صورت تجربی کار شود. البته این فعلاً در حد پیشنهاد است ولی پیش بینی شده که در عمل دانشجویان از سال سوم و چهارم تحصیل در دوره کارشناسی وارد فضای مدارس واقعی شوند. این پیشنهاد خوبی است که در اجرا می تواند جنبه‌های عملی تدریس را تقویت کند. در مورد دوره‌های کوتاه مدت ضمن خدمت ابتدا می خواهم خاطره ای را تعریف کنم. فردی که قبل از انقلاب در آموزش و پرورش مناطق عشایری فعال بوده است می گوید: «زمانی که من برای

مشخص کردن معلم گروه‌های عشایری به آن مناطق می رفتم، از فردی که برای مثال مدرک سیکل داشت از مطالب دوره دانشسرا نمی پرسیدم بلکه به او می گفتم تو که می خواهی در پایه پنجم تدریس کنی، باید ابتدا در امتحان پایه پنجم شرکت کنی.» این خاطره نشان می دهد که دوره‌های ضمن خدمت ما باید براساس نیازهای واقعی هر پایه برنامه ریزی شوند. در برنامه فعلی در سرفصل دوره‌ها دروس نظری فراوانی دیده می شود و بسیاری از درس‌ها نظری است. برای کاربردی کردن دوره‌های ضمن خدمت لازم است بین دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی و دانشگاه فرهنگیان و دفتر ارتقا معلمان و امثال این‌ها تعاملی ایجاد شود و نیازهای جدیدی که به وجود آمده اند، در این دوره‌ها دیده شوند. نکته دیگری که وجود دارد، زبان عمومی معلمان است. مشکل خیلی جدی در بحث آموزش زبان، زبان عمومی است.



دوستانی که در تربیت معلم کار کرده اند حتماً با این معضل مواجه بوده اند که وقتی می خواهند نکاتی را به انگلیسی بیان کنند، دچار مشکل می شوند؛ یعنی، در بسیاری از موارد مجبور می شوند به فارسی آموزش بدهند. به نظر من نسل جدیدی که وارد می شود در این مورد مشکل کمتری دارد ولی نسل قدیم و میان سال ها با زبان عمومی مشکل دارند و این به نظام آموزشی ما لطمه بزرگی وارد می کند. برای بهبود وضعیت پیشنهاد می شود گروه های هم اندیشی تشکیل شوند. این گروه ها را می توان به صورت منطقه ای یا در قالب گروه های کوچک تر دو یا سه مدرسه تشکیل داد تا در آن ها



دریافتی عمل کند و این می تواند انگیزه معلمان برای گذراندن آموزش های ضمن خدمت را افزایش دهد. نکته آخری که می خواهم به آن اشاره کنم این است که دو موضوع در آموزش معلمان زبان خوب مطرح نشده است؛ **موضوع اول** تهیه و تدوین مطالب درسی است.

یعنی اینکه معلم ما عملاً در تولید مواد آموزشی وارد نمی شود. آقای دکتر فرمودند معلم باید به عنوان یک موجود مستقل و خلاق دیده شود و نه به عنوان موجودی مصرف کننده که ما صرفاً به او

**حسینی فرد: پیشنهاد می شود گروه های هم اندیشی تشکیل شوند. این گروه ها را می توان به صورت منطقه ای یا در قالب گروه های کوچک تر دو یا سه مدرسه تشکیل داد تا در آن ها هم اندیشی به شکل واقعی اجرا شود. معلمان در این گروه های هم اندیشی می توانند از تجارب هم استفاده کنند**

توصیه کنیم چگونه تدریس کند. ما باید معلم را فردی توانا بدانیم که خودش می تواند مطالب درسی مورد نیازش را تهیه کند. لذا باید دوره های آموزش تولید مواد درسی در برنامه های تربیت معلم دیده شود. **موضوع دوم** روش های سنجش و ارزشیابی است. وقتی روش های آموزشی تغییر می کنند، روش های ارزشیابی هم باید متناسب با آن ها تغییر کنند. دوره های تربیت معلم باید هم به روش های سنتی و استاندارد و هم به روش های ارزشیابی جدید بپردازند. من می خواهم این مطلب را مطرح کنم که اگر قرار باشد در مراکز تربیت معلم مطابق با نیازهای برنامه جدید دروسی طراحی و تنظیم شوند، لازم است بین دفتر تألیف و مراکز تربیت معلم هماهنگی ایجاد گردد اما در حال حاضر عملاً چنین هماهنگی ای وجود ندارد.

چرا که مثلاً من و خانم سلیمانی درس های تدریس عملی، آزمون سازی و روش تدریس را براساس برداشت های خودمان از برنامه دروس ارائه می دهیم؛ در حالی که برای هماهنگی و اشتراک نظر، لازم است کمیته های هم اندیشی تشکیل شوند و در آن ها نیازهای برنامه جدید مورد بحث قرار گیرد.

**دکتر عنانی سراب:** آقای حسینی فرد به نکاتی اشاره کردند که لازم است مورد تأکید قرار گیرند. به نظر می رسد ما باید در مسیر بین آموزش های پیش از خدمت، آموزش های ضمن خدمت و کار اصلی معلم - که آموزش است - حلقه های مفقوده را پیدا کنیم و روی آن ها کار کنیم. یکی از این حلقه ها مسئله کارورزی است که به آن اشاره شد. یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که در دوره های پیش از خدمت ما دوره های کارورزی خیلی منسجمی وجود ندارد. معلم از بعد نظری تا حدودی تقویت می شود ولی از بعد عملی واقعاً مشکل دارد. نکته دیگری که باید مورد تأکید واقع شود، این است که اگر ما معلم را به عنوان فردی خلاق و فکور در نظر بگیریم، باید این فرصت برایش ایجاد شود که به عنوان فردی آزاد و تصمیم گیرنده مطرح باشد. چرا که اگر چنین نباشد، به نظر من همیشه مشکلاتی که به آن ها اشاره می کنیم، وجود خواهند داشت. تصور می کنم معلم برای اینکه نقش خود را به عنوان فردی تصمیم گیرنده ایفا کند، باید توانش های لازم را کسب نماید. او برای پاسخگویی به این نیازها باید به توانش های خاصی مجهز باشد و بتواند این برنامه را به خوبی اجرا کند. به نظر می رسد چه در آموزش های پیش از خدمت و چه در آموزش های ضمن خدمت به بعضی از توانش های مورد نیاز پرداخته نمی شود. همان گونه که آقای حسینی فرد هم اشاره کردند، معلم اگر در زبان عمومی مشکل داشته باشد، اعتماد به نفس لازم را برای اینکه مثلاً کلاسش را به انگلیسی اداره کند نخواهد داشت و طبیعی است که در اجرای روش های ارتباطی دچار مشکل می شود. بنابراین، در مرحله اول باید توانش های لازم برای اجرای برنامه

تعریف شوند که اگر چنین شود می‌توان بر مبنای توانش‌های تعریف شده ظرفیت موجود در دستگاه‌های مختلف، از جمله دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی دانشگاه فرهنگیان و غیره، را شناسایی کرد و سپس هماهنگی لازم را برای ایجاد توانش‌ها در این نهادها و سازمان‌ها ایجاد نمود.

**خانم سلیمانی:** با توجه به سابقه تدریس در مراکز تربیت معلم و همچنین کار در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، به‌نظر در اجرای دوره‌های تأمین مدرس اشکالاتی وجود دارد که کارایی آن‌ها را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. برای مثال، یکی از اشکالاتی که در دوره تأمین مدرس کتاب پیش‌دانشگاهی وجود داشت (دوره‌ای که من خود هم در آن تدریس می‌کردم) این بود که درصد زیادی از دبیران که برای طی دوره آمده بودند، واقعاً در آموزش زبان پیش‌دانشگاهی نقشی نداشتند و صرفاً برای طی دوره و اجرای آن در استان خود راهی این دوره شده بودند. نکته دیگر مسئله انگیزشی است که در این دوره‌ها بسیار کم است؛ یعنی به‌دلیل کمبود بودجه، کیفیت اجرای دوره و همچنین امتیازاتی که به دبیران آموزش دیده تعلق می‌گیرد در حد بسیار پایین است و به‌همین دلیل، در عمل دوره‌ها تأثیرگذاری چندانی ندارند. به‌نظر من، روش مؤثرتر اجرای دوره‌های پودمانی است که لازمه آن نوشتن برنامه و پودمان است. وقتی برنامه آماده شد، می‌توان معلم را به‌گذراندن دوره‌های پودمانی تشویق کرد. این دوره‌ها را می‌توانیم در مراکز تربیت معلم ارائه دهیم. بدون برنامه مدون نمی‌توان انتظار داشت دوره‌ها با استاندارد یکسانی ارائه شوند. من اعتقاد دارم که معلم باید در تولید مواد آموزشی توانا شود. معلم توانا می‌تواند کتاب و برنامه را با شرایط واقعی کلاس خود تطبیق دهد. بدون این توانایی، معلم چیزهایی از کتاب را برای تدریس برجسته می‌کند که با ذهنیت خودش مطابقت دارد. مثلاً در گذشته اکثر معلمان از هر درس نکته گرامری اش را به‌یاد داشتند و همان را برجسته

می‌کردند. در برنامه جدید هم که گرامر به آن شکل وجود ندارد، بعضی از معلمان پایه هفتم لغات درس را برجسته می‌کنند و تمام وقت خود را به تدریس لغات از طریق فلش کارت و غیره می‌گذرانند. البته تغییر قالب فکری مشکل است ولی این کار را می‌شود برای دانشجویانی که سه سال بعد وارد کلاس‌ها خواهند شد، انجام داد؛ چون این دانشجویان از توانش زبانی بالایی برخوردارند ولی باید وحدت رویه ایجاد شود. منظور از وحدت رویه این است که حداقل خود من به‌عنوان مدرس بدانم چیزی که در ذهن نویسنده کتاب یا طراح برنامه درسی بوده چیست. اگر من با برنامه آشنا نباشم و اطلاعات لازم را در اختیار نداشته باشم، طبیعی است که وحدت رویه ایجاد نخواهد شد.

**دکتر علوی مقدم:** ما می‌توانیم کارگاه‌هایی برای مراکز تربیت معلم طراحی و اجرا کنیم و دانشجویان مراکز تربیت معلم را با فرایند تألیف آشنا سازیم. همین روز یکشنبه آینده از دانشگاه الزهرا حدود چهل دانشجوی برنامه‌ریزی درسی به دفتر می‌آیند تا با روند تألیف آشنا شوند.

**دکتر عنانی سراب:** این آمادگی

**خیرآبادی: وقتی ما از آموزش معلمان صحبت می‌کنیم، منظورمان روندی است که نه تنها معلمان سال اول بلکه معلمان سایر پایه‌ها و همچنین معلمانی را که در آینده به آموزش و پرورش می‌پیوندند در برمی‌گیرد. بنابراین، اگر قرار است این یکپارچگی ایجاد شود باید این آموزش‌ها در کل دیده شوند و برای اینکه این اتفاق بیفتد، جای نهادی که بر آموزش زبان نظارت کند، خالی است**

برای همکاری بسیار خوب است. در عین حال، قرار نیست ارتباطات شخصی و مقطعی باشند. لذا باز باید تأکید شود که مستندسازی و شفاف‌سازی و گذاشتن مستندات در اختیار عموم افرادی که با برنامه سروکار دارند، می‌تواند نیاز به ایجاد ارتباطات شخصی را کم کند. با مستندسازی و در اختیار گذاشتن مستندات راه برای بحث کردن در مورد برداشت‌های مختلف باز می‌شود و از طریق این بحث‌هاست که می‌توان با روش اقناعی و نه تجویزی وحدت رویه ایجاد کرد.

**دکتر علوی مقدم:** ضمن تأیید فرمایشات آقای دکتر عنانی باید عرض کنم که اصول کلی قطعاً باید مدنظر قرار گیرد. ما در راهنمای معلم به‌خصوص سعی کردیم این مسئله را مورد توجه قرار دهیم. اصول کلی را گفتیم، روش‌های تدریس پیشنهادهایمان را گفتیم و حتی مجموعه‌ای از فعالیت‌های اختیاری را در اختیار معلم قرار دادیم اما متأسفانه یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که درصد زیادی از معلم‌های ما به راهنمای معلم دسترسی ندارند. در صورتی که از مردادماه سال ۹۲، راهنمای معلم ما روی سایت قرار دارد و خیلی راحت قابل دسترسی است. معلمی که به‌صورت عمدی یا سهوی به راهنمای معلم دسترسی پیدا نکرده و حداقل یک درس را نخوانده است، مقدمه راهنمای معلم و مقدمه کتاب را نخوانده و به تدریس



دکتر خیرآبادی

درس اول یا دوم اقدام کرده است، قطعاً با مشکل مواجه می‌شود. وقتی من با اصل کلی آشنایی ندارم و نقشه راه در دستم نیست، چگونه می‌خواهم تدریس کنم؟ در اینجا توصیه من به همکاران این است که با مراجعه به سایت گروه، راهنمای معلم را به صورت Pdf تهیه کنند و حداقل روش تدریس یک درس را بخوانند. بقیه درس‌ها مشابه درس اول است و یک خط سیر را طی می‌کند.

آن‌ها پس از آشنایی با روش تدریس پیشنهادی می‌توانند به تدریس اقدام کنند.

### دکتر خیرآبادی: می‌خواهم کمی

به ریشه مشکلات بپردازم. ما در آستانه تغییری بسیار بزرگ در آموزش زبان قرار داریم. بسیاری مشکلات در سایر دروس مثل ریاضیات و علوم هم وجود دارد. ولی درس زبان با مشکلات و چالش‌های بیشتری روبه‌روست. این مقوله آسان‌ترین و شاید بتوان گفت کوتاه‌ترین قسمتش تألیف کتاب است. در یک سال یا یک سال و نیم می‌شود کتاب یا بسته آموزشی جدیدی فراهم کرد ولی تربیت معلم طبعاً پروسه زمان‌بری است. مثلاً همکاری را در نظر بگیرید که بیست سال قبل دوره‌ای را گذرانده و نظام آموزشی ما ایشان را رها کرده و حمایتی نکرده است.

در چنین حالتی، چگونه می‌توانیم توقع داشته باشیم ارتقا صورت گیرد؟ واقعیت آموزشی کشور ما این است که با جامعه ناهمگونی از معلم‌ها روبه‌رو هستیم. معلم‌ها و دبیرانی که بسیار توانمندند، مترجمان خیلی قابل‌نیز هستند، ممکن است نظریه‌پرداز باشند و مقاله هم داشته باشند. البته طیف دیگری از همکاران را هم داریم که خود را به کتاب درسی محدود کرده‌اند و علاوه بر آن به فقر اطلاعاتی دچارند. دوره‌هایی که تا به حال داشته‌ایم به ارائه اطلاعات و سواد محدود مانده است. در دوره‌های توجیهی در طول چهل ساعت فقط خطوط اصلی کتاب را معرفی می‌کنیم. برای اینکه این دوره‌ها مؤثر باشند، همکاران در بدو ورود به خدمت باید از حداقل‌هایی برخوردار باشند؛ در حالی که در دوره‌های تربیت معلم چنین حداقل‌هایی تعریف

نشده‌اند. برای مثال، اینکه دانشجوی معلمی که می‌خواهد دبیر زبان شود باید از چه توانش زبانی‌ای برخوردار باشد، در دوره تربیت معلم وجود ندارد. با توجه به نقایص و کمبودهایی که در دوره‌های پیش از خدمت وجود دارد، باید معلم در دو یا سه سال اول خدمت آموزش‌های خاصی را ببیند. شاید در آینده بشود دوره‌های فرهنگ‌پذیری (Induction) برای دبیران تازه وارد گذاشت. در چنین دوره‌هایی معلم در فرایند فرهنگ‌پذیری کاملاً تحت حمایت قرار می‌گیرد. مشکل دیگری که وجود دارد عدم اتصال بخش‌های مختلف است که در تربیت معلم دخالت دارند، مثلاً نظام رتبه‌بندی معلمان از بخش‌هایی است که به معلمان انگیزه ارتقا می‌دهد، خوشبختانه در دو سه سال اخیر به نظر می‌رسد که با تحولی که در نظام ارتقا ایجاد شده امیدهایی زنده شده‌اند. در همین حال، بدون ایجاد نقاط اتصال ممکن است کارهایی که در گروه زبان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب انجام می‌شود، با رفتن افراد تغییر کند و سلیقه مدیران خاصی حاکم شود که این البته مختص دفتر برنامه‌ریزی و تألیف نیست و در دانشگاه فرهنگیان هم ممکن است اتفاق بیفتد.

نکته دیگری که در مورد برنامه جدید جای تأمل دارد این است که آموزش معلمان موقتی نیست و قرار است تداوم داشته باشد. وقتی ما از آموزش معلمان صحبت می‌کنیم، منظورمان روندی است که نه تنها معلمان سال اول بلکه معلمان سایر پایه‌ها و همچنین معلمان را که در آینده به آموزش و پرورش می‌پیوندند در برمی‌گیرد. بنابراین، اگر قرار است این یکپارچگی ایجاد شود باید این آموزش‌ها در کل دیده شوند و برای اینکه این اتفاق بیفتد، جای نهادی که بر آموزش زبان نظارت کند، خالی است.

### دکتر عنانی‌سراب: به نظر

می‌رسد برای یکپارچه شدن آموزش‌ها، آموزش‌هایی که به شکل‌های مختلف و در جاهای متفاوت برنامه‌ریزی می‌شوند، باید به هم مرتبط باشند. همان‌طور که اشاره کردم، اینکه محتوای دوره‌های توجیهی مکتوب گردند و در آن‌ها توانش‌های مورد

انتظار مشخص شوند، قدم بزرگی است. چرا که در برنامه‌ریزی محتوای دوره‌هایی که دانشگاه فرهنگیان برگزار می‌کند، مکتوبات دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نکته دیگری که باید به آن توجه شود، ارزشیابی دوره‌های توجیهی است. بدون ارزشیابی از نحوه تأثیرگذاری دوره‌ها ارتقای کیفیت با مشکل مواجه خواهد شد.

### آقای حسینی‌فرد: من می‌خواهم بر

این نکته تأکید کنم که در حال حاضر بین گروه زبان دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و مراکز تربیت معلم تعامل لازم وجود ندارد. چون برنامه جدید در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب تهیه شده است، انتظار می‌رود تعامل از آنجا آغاز شود. سؤالی که در ابتدا مطرح کردم این بود که چه معیارها یا استانداردهایی برای آموزش معلمان در برنامه جدید تعریف شده است و برای آن پاسخی دریافت نکردم. ظاهراً این استانداردها مکتوب نشده‌اند. ما در دانشگاه فرهنگیان می‌توانیم فقط حدس بزنییم و طبعی است که در مواردی حدس‌ها شاید چندان دقیق نباشند. این مسئله حتی در معلمانانی که در دوره‌ها شرکت می‌کنند نیز مشهود است. برای مثال، ما در کرج دانشجویی داریم که دوره توجیهی مربوط به پایه هفتم را گذرانده است و وقتی از او می‌پرسم به چه روشی تدریس می‌کنید، می‌گوید روش CLT. بعد که از او می‌خواهیم توضیح بدهد در کلاس خود چگونه تدریس می‌کند، می‌گوید که دیالوگ را روی تخته می‌نویسد و از بچه‌ها می‌خواهد آن را آن قدر تکرار کنند تا حفظ شوند.

### دکتر علوی‌مقدم: وحدت رویه‌ای

که انتظار می‌رود، به دلایل مختلف هنوز ایجاد نشده است. البته معلمان علاوه بر دوره توجیهی باید مرتباً به کتاب معلم مراجعه کنند اما چون فرهنگ استفاده از کتاب معلم وجود نداشته است، معمولاً به این کتاب مراجعه نمی‌کنند. در حالی که مراحل تدریس بخش‌های مختلف در کتاب معلم آمده است.

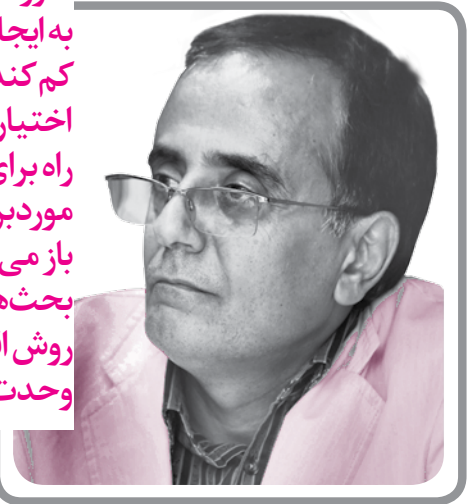
### آقای دزی: بسم الله الرحمن الرحیم.

خوشحالم که این فرصت ایجاد شد که در جمع استادان حضور پیدا کنم. می‌خواهم



تجربیات خودم را از دوره‌های آموزش معلمان بیان کنم و پیشنهادهایی هم دارم که خواهم گفت. خوشبختانه با کارهای خوبی که صورت گرفته، نگاه خانواده‌ها و معلمان مثبت است. من پانزده سال است در آموزش و پرورش کار می‌کنم. پیش از این دوره‌های ضمن خدمت که برگزار می‌شد، استقبال خیلی کم بود. اینکه در کلاس‌ها همه معلمان تا آخر

**عنانی سراب: قرار نیست ارتباطات شخصی و مقطعی باشند. لذا باز باید تأکید شود که مستندسازی و شفاف‌سازی و در اختیار گذاشتن مستندات در اختیار عموم افرادی که با برنامه سروکار دارند، می‌تواند نیاز به ایجاد ارتباطات شخصی را کم کند. با مستندسازی و در اختیار گذاشتن مستندات راه برای بحث کردن در مورد برداشت‌های مختلف باز می‌شود و از طریق این بحث‌هاست که می‌توان با روش اقناعی و نه تجویزی وحدت رویه ایجاد کرد**



توانش تدریس. به نظر می‌رسد اگر توانش‌ها مکتوب نشود و برنامه مدونی برای رشد توانش‌ها وجود نداشته باشد، شاید نتوانیم از آن ظرفیت‌ها به‌شکل مطلوب استفاده کنیم. مشکلات اجرایی هم وجود دارند که حل آن‌ها از حیطة اختیارات دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی خارج است. این‌ها وجود دارند و باید ببینیم و خیلی هم انتظاراتمان را بالا نبریم و محدودیت‌ها را در نظر داشته باشیم. نکته بعدی این است که این برنامه قرار است سمت و سوی آموزش زبان را در کل دوره متوسطه تعیین کند. نیاز است هم برنامه کوتاه مدت و هم برنامه بلندمدت داشته باشیم. بعضی از برنامه‌های کوتاه مدت را دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی دارد اجرا می‌کند ولی بخش مهم دیگری از آموزش‌ها باید در جاهای دیگر و با توجه به ظرفیت‌های موجود برنامه‌ریزی و اجرا شود.

هم‌اکنون به دلیل نبود برنامه مدون، بسیاری از کسانی که در بخش خصوصی فعالیت می‌کنند می‌خواهند بیابند و وارد گود شوند.

به نظر من این چندان مفید نیست. فعالیت‌های آن‌ها وقتی مفید است که بر اساس برنامه‌ای باشد که دفتر ارائه می‌دهد. اگر این‌گونه شد، می‌توانیم بگوییم در راستای برنامه درسی است و می‌تواند به برنامه درسی کمک کند.

در اینجا لازم است از تک‌تک همکاران شرکت‌کننده در این میزگرد تشکر کنم. امیدوارم بتوانیم این جلسات را ادامه دهیم و در حد مقدوراتمان به برنامه درسی کمک کنیم. به هر حال ما هم محدودیت‌هایی داریم اما می‌توانیم جلسه‌هایی بگذاریم و نظرات دوستان را به یکدیگر نزدیک کنیم.

فرهنگیان یک مرکز زبان آموزشی ایجاد شود که معلمان زبان

در آنجا سطح‌بندی شوند و آموزش زبان ببینند.

نکته دیگر، کارهای بعد از دوره است که یکی از آن‌ها حمایت و نظارت است. در حال حاضر سیستم نظارتی وجود ندارد. چنانچه افرادی باشند که بتوانند به کلاس‌های مختلف بروند و مشاهده کنند و به معلمان بازخورد بدهند، آموزش بهتر صورت می‌گیرد.

**دکتر عنانی سراب:** از مجموعه بحث‌هایی که شد می‌توانیم نتیجه بگیریم که همکاران دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به هر حال همه تلاششان را می‌کنند و جایگاهشان هم ایجاب می‌کند که این تلاش‌های خود را با جاهای دیگر مرتبط سازند. به هر حال، ظرفیت‌هایی در جامعه وجود دارد که باید مورد استفاده قرار گیرند. نکته دیگر این است که نیاز معلمان ما متفاوت است و باید به این نیازها پرداخته شود.

به عبارتی، آنچه در بحث‌ها مشخص شد این است که حداقل دو نیاز اصلی وجود دارد: نیاز زبانی و نیاز به ارتقای

دوره آموزش‌ها را با علاقه دنبال می‌کنند نشان می‌دهد معلمان علاقه‌مندند که بیاموزند. این برای تیم تألیف یک موفقیت است. معلم‌ها خیلی انگیزه دارند، سؤال می‌کنند و ایمیل می‌زنند. با توجه به بازخوردی که از کلاس‌های ضمن خدمت گرفته‌ام، تعدادی از معلمان خیلی ضعف دارند. من در دوره‌های ضمن خدمت مناطق مختلف صحبت می‌کردم که مثلاً کتاب این طوری است و شما این کار را بکنید. تا زمانی که فارسی صحبت می‌کردم، همه با حرارت بحث می‌کردند ولی به محض اینکه شروع می‌کردم به انگلیسی صحبت کردن، هیچ اظهار نظری از طرف شرکت‌کنندگان نمی‌شد. این نشان می‌دهد که معلم‌ها با انگلیسی مشکل دارند. اگر می‌خواهیم مشکل آن‌ها را حل کنیم باید پودمانی کار کنیم؛ یعنی معلمی که وارد دوره می‌شود، ارزیابی شود و با توجه به نیاز پودمان‌هایی با ساعات مشخص به او ارائه شود. پیشنهاد من این است که در دانشگاه